بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سایت اینترنتی گلزارنور

http://golzarenoor.ir

هفتاد حدیث ناب از امام باقرعلیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمودند:

۱-ذِکْرُ اللهِ لِاَهْلِ الصَّلاةِ اَکْبَرُ مِنْ ذِکْرِهِمْ ایّاهُ؛ اَلا تَرى اَنَّهُ یَقولُ: اُذْکُرونىاَذْکُرْکُمْ؟؛

یاد خدا از نمازگزاران، بالاتر از یاد آنان از خداوند است، مگر نمی بینی که خداوند می فرماید: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم»؟

بحارالأنوار، ج ۸۲ ، ص ۱۹۹

۲-مُروا شیعَتَنا بِزیارَةِ قَبرِ الحُسَینِ علیه السلام فَاِنَّ اِتْیانَهُ یَزیدُ فِى الرِّزْقِوَ یَمُدُّ فِى الْعُمْرِ وَ یَدْفَعُ مَرافِعَ السُّوءِ و اِتیانُهُ مُفْتَرَضٌ عَلى کُلِّ مُؤمِنٍ یَقِرُّ لِلحُسَینِبِالإمامَةِ مِنَ اللهِ.

شیعیان ما را به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام فرمان دهید؛ زیرا زیارت آن حضرت،روزی را زیاد و عمر را طولانی و بدی ها را دور می سازد و رفتن به زیارتش بر هر مؤمنکه امامت امام حسین علیه السلام را پذیرفته است، واجب است.

کامل الزیارات، ص ۲۸۴

۳-لَو یَعلَمُ النّاسُ ما في زِیارَةِ قَبرِ الحُسَینِ مِنَ الفَضلِ لَماتُوا شَوقا

اگر مردم می دانستند در زیارت مزار امام حسین علیه السلام چه فضیلتی است از شوق آن می مردند.

همان ، ص ۱۸

۴-عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّمَا يُدَاقُّ اللَّهُ الْعِبَادَ فِی الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَی قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِی الدُّنْيَا.

ابو جارود از امام پنجم عليه السلام نقل می‌كند: خدا در روز قيامت نسبت بحساب بندگانش باندازه عقلی كه در دنيا به آنها داده است باريك بينی می‌كند.

اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۱۲ روایة: ۷

۵-أُطلُب بَقاءَ العِزّ بإماتَةِ الطَّمَعِ

با كُشتنِ طمع ، پايدارىِ عزّت را بجوى.

تحف العقول

۶-لامُصيبَةَ كَاستِهانَتِكَ بِالذَّنبِ ورِضاكَ بِالحالَةِ الَّتي أنتَ عَلَيها

مصيبتی چون ناچيز شمردن گناهت و خشنودی ات از حالی كه داری نيست.

تحف العقول

۷-فَأنزِل نَفسَكَ مِنَ الدُّنيا كَمَثَلِ مَنزِلٍ نَزَلتَهُ ساعَةً ثُمَّ ارتَحَلتَ عَنهُ

خود را در دنيا چنان منزل ده كه گويی ساعتی در آن منزل داری وسپس از آن كوچ می كنی.

تحف العقول

۸-اِستَشِر في أمرِكَ الَّذينَ يَخشَونَ الله

در كار خود ، [فقط] با كسانی مشورت كن كه از خدا می ترسند.

تحف العقول

۹-ثَلاثَةٌ مِن مَكارِمِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ : أن تَعفُوَ عَمَّن ظَلَمَكَ ، وتَصِلَ مَن قَطَعَكَ ، وتَحَلَّمَ إذا جُهِلَ عَلَيكَ

سه چیز ، از کرامت های دنیا و آخرت است : آن کس را که به توستم کرده ببخشایی ، به آن که از تو گسسته بپیوندی ، و چون بر تو جهالتی رود ، بردباری کنی.

تحف العقول

۱۰-إنَّ اللهَ يُحِبُّ أن يُسألَ ويُطلَبَ ما عِندَهُ؛

خداوند ، خوش دارد که از او خواهش شود و از آنچه نزد اوست ، درخواست گردد.

تحف العقول

۱۱ -يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَيْنِ يَلْتَقِيَانِ فَيُصَافِحُ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ، فَلَا تَزَالُ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْهُمَا كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ، وَ اللَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا حَتَّى يَفْتَرِقَا.

حضرت باقر عليه السلام فرمود: وقتى دو مؤمن يكديگر را ملاقات مى كنند و به يكديگر دست مى دهند، پس پيوسته گناهان آن دو مى ريزد، آن چنان كه برگ درختان مى ريزد، و خداوند تا آن دو از يكديگر جدا شوند، به آنها نظاره (و توجّه) مى كند.

الكافي، ج۲، ص۱۷۹

۱۲-عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنَيْنِ إِذَا تَوَارَى أَحَدُهُمَا عَنْ صَاحِبِهِ بِشَجَرَةٍ ثُمَّ الْتَقَيَا أَنْ يَتَصَافَحَا.

حضرت باقر عليه السلام فرمود: سزاوار است براى مؤمنين كه هرگاه يكى از آنها از رفيقش به فاصله درختى نهان شد، و مجدّدا او را ديد، با يكديگر مصافحه كنند.

الكافي، ج۲، ص۱۸۱

۱۳-عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا صَافَحَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ فَالَّذِي يَلْزَمُ التَّصَافُحَ أَعْظَمُ أَجْراً مِنَ الَّذِي يَدَعُ.

حضرت باقر عليه السّلام فرمود: هر گاه مردى با رفيقش دست مى دهد، آن كسى كه دستش را نگاه دارد، اجرش بيشتر است از آنكه رها مي كند.

الكافي، ج۲، ص۱۸۱.

۱۴-إنَّ جَميعَ دَوابِّ الأرضِ لَتُصَلِّي عَلى طالِبِ العِلمِ حَتَّى الحِيتانِ في البَحرِ

همه جنبندگان زمین ، حتّی ماهیان دریا ، بر جوینده دانش درود می فرستند.

بصائر الدّرجات ، ج ۴ ، ص ۲۴

۱۵-كانَ فيما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ ابنَهُ : ... جَدِّدِ التَّوبَةَ في قَلبِكَ ، وَاكمَش في فَراغِكَ قَبلَ أن يُقصَدَ قَصدُكَ ، ويُقضى قَضاؤُكَ ، ويُحالَ بَينَكَ وبَينَ ما تُريدُ.

در نصایح لقمان به پسرش این بود که: « . . . توبه را در دلت تازه کن ، و پیش از آن که کارَت فرا رسد و قضایت قطعی شود و بین تو و آنچه می خواهی ، فاصله بیفتد ، در ایّامِ فراغتت، [برای توبه] شتاب کن».

الكافي : ج ۲ ص ۱۳۵ ح ۲۰ ، بحار الأنوار : ج ۱۳ ص ۴۲۶ ح ۱۹

۱۷- كانَ فيما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ عليه السلام ابنَهُ : ... كُن أمينا ؛ فَإِنَّ اللهَ تَعالى لا يُحِبُّ الخائِنينَ

در موعظه لقمان به پسرش، چنین بود: «امین باش؛ زیرا خدای متعال ، خیانتکاران را دوست ندارد».

قصص الأنبياء : ص ۱۹۱ ح ۲۳۹ ، بحار الأنوار : ج ۱۳ ص ۴۱۸ ح ۱۱

۱۸-سارِعُوا في طَلَبِ العِلمِ

در جست وجوی دانش شتاب کنید.

المحاسن ، ج ۱ ، ص ۳۵۶ .

۱۹-الكَمالُ كُلُّ الكَمالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ و الصَّبرُ عَلَى النّائِبَةِ و تَقديرُ المَعيشَةِ

همه کمال در شناخت عمیق دین و شکیبایی در پیشامدهای ناگوار و اندازه نگاه داشتن در زندگی است.

تحف العقول ، ص ۲۱۳ .

۲۰- قيلَ لِلُقمانَ : مَا الَّذي أجمَعتَ عَلَيهِ مِن حِكمَتِكَ ؟ قالَ : لا أتَكَلَّفُ ما قَد كُفيتُهُ ، ولا أُضَيِّعُ ما وُلّيتُهُ

به لقمان گفته شد : حکمت خود را در چه چیزْ گرد آوردی [و خلاصه کردی]؟ گفت: «برای چیزی که کفایت (تضمین) شده ام ، خود را به زحمت نمی اندازم و کاری را که در آن سرپرستی شده ام ، ضایع نمی کنم».

قرب الإسناد : ص ۷۲ ح ۲۳۲ ، بحار الأنوار : ج ۱۳ ص ۴۱۵ ح ۶

۲۱-امام باقر(ع) به جابر بن یزید می گوید: گویا تو گمان می کنی که خداوند فقط این عالم را آفرید و بس و همچنین گمان می کنی که خداوند بشری غیر از شما نیافریده است؟ آری به خدا قسم خداوند هزار هزار عالم و هزار هزار آدم آفرید و تو در آخر این عالم ها و آدم ها هستی.

خصال، ج ۲، ص ۴۵۰ و نیز بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۸۲ – ۸۳.

۲۲-حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اَللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اَللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنِ اَلْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلاَمُ عَنْ قَوْلِ اَللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَ فَعَيِينٰا بِالْخَلْقِ اَلْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ فَقَالَ يَا جَابِرُ تَأْوِيلُ ذَلِكَ أَنَّ اَللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَفْنَى هَذَا اَلْخَلْقَ وَ هَذَا اَلْعَالَمَ وَ أَسْكَنَ أَهْلَ اَلْجَنَّةِ اَلْجَنَّةَ وَ أَهْلَ اَلنَّارِ اَلنَّارَ جَدَّدَ اَللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَالَماً غَيْرَ هَذَا اَلْعَالَمِ وَ جَدَّدَ عَالَماً مِنْ غَيْرِ فُحُولَةٍ وَ لاَ إِنَاثٍ يَعْبُدُونَهُ وَ يُوَحِّدُونَهُ وَ خَلَقَ لَهُمْ أَرْضاً غَيْرَ هَذِهِ اَلْأَرْضِ تَحْمِلُهُمْ وَ سَمَاءً غَيْرَ هَذِهِ اَلسَّمَاءِ تُظِلُّهُمْ لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اَللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا خَلَقَ هَذَا اَلْعَالَمَ اَلْوَاحِدَ وَ تَرَى أَنَّ اَللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَخْلُقْ بَشَراً غَيْرَكُمْ بَلْ وَ اَللَّهِ لَقَدْ خَلَقَ اَللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَلْفَ أَلْفِ عَالَمٍ وَ أَلْفَ أَلْفِ آدَمٍ أَنْتَ فِي آخِرِ تِلْكَ اَلْعَوَالِمِ وَ أُولَئِكَ اَلْآدَمِيِّينَ

جابر بن يزيد گويد:از امام باقر(عليه السّلام)پرسيدم معناى اينكه خداى عز و جل ميفرمايد:آيا بآفرينش نخستين ما عاجز شديم بلكه آنان از آفرينش تازه‌اى در اشتباهند(سورهٔ ق آيهٔ ۱۵)چيست؟ فرمود اى جابر تأويل اين آيه چنين است كه خداى عز و جل چون اين آفريدگان و اين جهان را فانى نمود و بهشتيان را در بهشت و دوزخيان را در دوزخ جاى داد. خداى عز و جل جهانى از نو مى‌آفريند كه بجز اين جهان باشد و جهانى كه از نو بوجود مى‌آورد نيازى به نر و ماده نخواهد داشت آنان خداى را بپرستند و بيگانگى‌اش بشناسند و زمينى براى آنان بيافريند كه بار سنگينى آنان را بكشد و بجز اين زمين باشد و آسمانى براى آنان بيافريند كه بر آنان سايه بيفكند و بجز اين آسمان باشد.شايد تو را عقيده بر اين است كه فقط همين يك جهان را آفريده است؟و معتقدى كه خداى عز و جل بجز شما بشريرا نيافريده است؟بلكه بخدا قسم همانا خداى تبارك و تعالى هزار هزار جهان و هزار هزار آدم آفريده است كه تو در آخر آن جهان‌ها و آن آدميان ميباشى.

الخصال / ترجمه فهرى ; ج ۲ ص ۷۹۶

۲۳- باز در خصال از امام باقر عليه السلام نقل شده است: خداى عز وجل از روزى كه زمين را آفريده، هفت عالم را در آن خلق (و سپس منقرض كرده است) كه هيچ يك از آن عوالم از نسل آدم ابوالبشر نبوده‌اند و خداى تعالى همه آنها را ازپوسته روى زمين آفريد و نسلى را بعد از نسل ديگر ايجاد كرد و

برای هر یك، عالمی بعد از عالم دیگر پدید آورد تا در آخر، آدم ابوالبشر را بیافرید و ذریه اش را از او منشعب ساخت. (خصال، ج ۲، ص ۶۵۲، ح ۵۴

(نکته ای که باید به آن توجه داشت اینکه انسان های امروزی همه از نسل حضرت آدم (ع) هستند هیچ ربطی به نسل های قبلی انسان ها ندارد. و ظاهر آیات قرآنی به خوبی این مطلب را نشان می دهد. که در موارد مکرر انسان ها را با تعبیر "بنی آدم: خطاب قرار داده است.)

۲۴-كانَ فيما وَعَظَ بِهِ لُقمانُ عليه السلام ابنَهُ أن قالَ: يا بُنَيَّ ، إن تَكُ في شَكٍّ مِنَ المَوتِ ، فَارفَع عَن نَفسِكَ النَّومَ ولَن تَستَطيعَ ذلِكَ . وإن كُنتَ في شَكٍّ مِنَ البَعثِ ، فَادفَع عَن نَفسِكَ الإنتِباهَ ولَن تَستَطيعَ ذلِكَ ، فَإِنَّكَ إذا فَكَّرتَ عَلِمتَ أنَّ نَفسَكَ بِيَدِ غَيرِكَ ، وإنَّمَا النَّومُ بِمَنزِلَةِ المَوتِ ، وإنَّمَا اليَقَظَةُ بَعدَ النَّومِ بِمَنزِلَةِ البَعثِ بَعدَ المَوتِ . وقالَ : قالَ لُقمانُ عليه السلام : يا بُنَيَّ ، لا تَقتَرِب فَيَكونَ أبعَدَ لَكَ ولا تَبعُد فَتُهانَ . كُلُّ دابَّةٍ تُحِبُّ مِثلَها ، وَابنُ آدَمَ لا يُحِبُّ مِثلَهُ . لا تَنشُر بِرَّكَ (بَزَّكَ) إلا عِندَ باغيهِ، وكَما لَيسَ بَينَ الكَبشِ وَالذِّئبِ خُلَّةٌ ، كَذلِكَ لَيسَ بَينَ البارِّ وَالفاجِرِ خُلَّةٌ، مَن يَقتَرِب مِنَ الرَّفثِ (الزِّفتِ) يَعلَق بِهِ بَعضُهُ كَذلِكَ مَن يُشارِكِ الفاجِرَ يَتَعَلَّم مِن طُرُقِهِ ، مَن يُحِبَّ المِراءَ يُشتَم ، ومَن يَدخُل مَدخَلَ السَّوءِ يُتَّهَم ، ومَن يُقارِن قَرينَ السَّوءِ لا يَسلَم ومَن لا يَملِك لِسانَهُ يَندَم . وقالَ : يا بُنَيَّ ، صاحِب مِئَةً ولا تُعادِ واحِداً . يا بُنَيَّ ، إنَّما هُوَ خَلاقُكَ وخُلُقُكَ ، فَخَلاقُكَ دينُكَ ، وخُلُقُكَ بَينَكَ وبَينَ النّاسِ ، فَلا تَبَغَّضَنَّ إلَيهِم يا بُنَيَّ ، كُن عَبداً لِلأَخيارِ ولا تَكُن وَلَداً لِلأَشرارِ . يا بُنَيَّ ، عَلَيكَ بِأَداءِ الأَمانَةِ تَسلَم دُنياكَ وآخِرَتُكَ ، وكُن أميناً ؛ فَإِنَّ اللهَ تَعالى لا يُحِبُّ الخائِنينَ . يا بُنَيَّ ، لا تُرِ النّاسَ أنَّكَ تَخشَى اللهَ وقَلبُكَ فاجِرٌ . ، وتَعَلَّم مَحاسِنَ الأَخلاقِ.

در نصایح لقمان به پسرش ، این است که گفت : «پسرم ! اگر درباره مرگْ تردید داری ، خواب را از خود دور کن ـ که نخواهی توانست ـ و اگر درباره رستاخیزْ تردید داری ، بیدار شدن از خواب را از خود دور کن ـ که نخواهی توانست ـ ؛ زیرا اگر اندیشه کنی ، می دانی که جان تو در دست دیگری است و همانا خواب ، به منزله مرگ است و بیداری پس از خواب ، به منزله بر انگیخته شدن پس از مرگ . لقمان همچنین گفت: «ای پسرم! آن چنان [به مردمْ] نزدیك نشو که [از دل های آنان] دور شوی و آن چنان دور نشو که خوار شوی . هر موجودی ، همنوع خود را دوست می دارد و همانا آدمیزاد نیز همنوع خود را دوست می دارد . خوبی [یا متاع] خود را جز در برابر مشتریِ آن ، نگستران . چنان که میان قوچ و گرگ ، دوستی و رفاقتی نیست ، میان نیکوکار و بدکار نیز دوستی و رفاقتی نیست. هر که به زشتی [یا قیر]نزدیك شود ، پاره ای از آن به تنش می چسبد . همچنین ، هر که با بدکارْ همدستی کند ، بعضی از روش های او را می آموزد . هر که جدال را دوست بدارد ، دشنام می شنود ، و هر که وارد جاهای بد شود ، متّهم می شود و هر که با رفیقِ بد همراهی کند ، سالم نمی ماند ، و هر که زبانش را در اختیار نگیرد ، پشیمان می گردد» . و گفت : «ای پسرم ! با صد نفر رفاقت کن ؛ ولی حتّی با یك نفر هم دشمنی نکن . ای پسرم ! تو هستی و بهره و اخلاق تو ! بهره تو دین توست ، و اخلاق تو [رابطه] بین تو و مردم است . پس به آنان کینه نورز ، و اخلاق نیکو را بیاموز . ای پسرم ! غلام نیکان باش ؛ ولی فرزند بدان نباش . ای پسرم ! امانت را ادا کن ، تا دنیا و آخرتت سالم بماند ، و امین باش ؛ زیرا خدای تعالی خیانتکاران را دوست ندارد . ای پسرم ! خود را به مردم چنان نشان نده که از خدا می ترسی ، در حالی که دلِ تو گنهکار است».

قصص الأنبياء : ص ۱۹۰ ح ۲۳۹، بحار الأنوار : ج ۱۳ ص ۴۱۷ ح ۱۱

۲۵-مَن أرادَ أن لایَضُرَّهُ طَعامٌ . . . وَلْیُجِدِ المَضغَ

هرکه می خواهد غذا به او زیان نرساند . . . باید غذا را خوب بجود.

همان ، ج ۲۴ ، ص ۴۳۱

۲۶- اگر جوان شیعه ای را نزد من بیاورند که علم[دین] نمی آموزد ، او را تأدیب می کنم.

المحاسن ، ج ۱ ، ص ۳۵۷

۲۷-إذا خَرَجنا مِنَ الحَمّامِ خَرَجنا مُتَعَمِّمینَ شِتاءً کانَ أو صَیفا . . . هُوَ أمانٌ مِنَ الصُّداعِ

وقتی از حمّام خارج می شویم ـ چه در زمستان و چه در تابستان ـ سر خود را می پوشانیم، این کار برای جلوگیری از سر درد است.

. مکارم الأخلاق ، ص ۵۵

۲۸-زَکاةُ العِلمِ أن تُعَلِّمَهُ عِبادَاللهِ

زکات دانش ، آموختن آن به بندگان خدا است.

الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۱

۲۹-و مَن أحیاها فَکَأنَّما أحیَا النّاسَ جَمیعا . مائده ، آیه ۳۲ . مِن حَرَقٍ أو غَرَقٍ

یعنی: هر که کسی را زنده کند گویی همه مردم را زنده کرده است . فرمودند : یعنی آنان را از آتش و غرق شدن نجات بخشد.

الکافی ، ج ۲ ، ص ۲۱۰ .

۳۰-إنَّ رَسولَ اللهِ سابَقَ بَینَ الخَیلِ و أعطَی السَّوابِقَ مِن عندِهِ

رسول خدا مسابقه اسب دوانی ترتیب داد و جوایز را از مال خویش پرداخت.

وسائل الشیعه ، ج ۱۹ ، ص ۲۲۵

۳۱- تَذاكُرُ العِلمِ دِراسَةٌ و الدِّراسَةُ صَلاةٌ حَسَنَةٌ

گفت وگوی علمی درس است ، و درس نمازی نیکو است.

الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۱ .

۳۲-خَيرُ الأعمالِ الحَرثُ

بهترین کارها کشاورزی است.

میزان الحکمه ، ح ۷۵۴۵ .

۳۳-كانَ أثَرُ السُّجُودِ فِي جَمِيعِ مَواضِعِ سُجُودِهِ فَسُمِّيَ السَجّادُ لِذلِكَ

(امام زین العابدین علیه السلام)اثر سجده در تمام مواضع هفت گانه سجده او نمایان بود، از این جهت «سجّاد» نامیده شد.

بحار الأنوار ، ج ۴۶ ، ص ۶ .

۳۴-كانَ يُصَلّي صَلاةَ مُوَدِّعٍ يَرى أنَّهُ لايُصَلِّي بَعدَها أبَدَا

امام سجّاد علیه السلام مانند کسی که آخرین نماز خود را به جای می آورد ، نماز می گزارد. او چنین می دید که پس از آن هیچ گاه نماز نمی گزارد.

همان ، ج ۴۶ ، ص ۷۹ .

۳۵-وَاللهِ يا جابِرُ! لَقَد أعطاني اللهُ عِلمَ ما كانَ و ما هُوَ كائِنٌ إلى يَومِ القِيامَةِ

ای جابر! به خدا سوگند ، خداوند علم گذشته و آینده تا روز قیامت را به من عطا کرده است.

همان ، ص ۲۹۶ .

۳۶-تَبَسُّمُ الرَّجُلِ في وَجهِ أخيهِ المُؤمِنِ حَسَنَةٌ

لبخند آدمی به روی برادر دینی اش حسنه است.

بحار الأنوار ، ج ۷۴ ، ص ۲۸۸

۳۷-خُذُوا الکَلِمَةَ الطَّیِّبَةَ مِمَّن قالَها و إن لَم یَعمَل بِها

سخن نیك را از گوینده آن برگیرید ، اگر چه به آن عمل نکند.

تحف العقول ، ص ۲۹۱ .

۳۸-مَن تَوَکَّلَ عَلَی اللهِ لایُغلَبُ و مَنِ اعتَصَمَ بِاللهِ لایُهزَمُ

آن که به خدا توکّل کند ، مغلوب نشود و آن که به خدا توسّل جوید ، شکست نخورد.

جامع الأخبار ، ص ۳۲۲ .

۳۹-ما مِن نَکبَةٍ تُصِیبُ العَبدَ إلاّ بِذَنبٍ

هیچ گرفتاری یی به بنده نمی رسد مگر به سبب گناه.

الکافی ، ج ۲ ، ص ۲۶۹

۴۰-ما ضُرِبَ عَبدٌ بِعُقُوبَةٍ أعظَمَ مِن قَسوَةِ القَلبِ

هیچ بنده ای به کیفری بزرگ تر از سختْ دلی کیفر نشد.

تحف العقول ، ص ۲۹۶ .

۴۱-ما حَسَنَةُ الدُّنیا إلاّ صِلَةَ الإخوانِ و المَعارِفِ

خوبیِ دنیا جز در پیوند با برادران و آشنایان نیست.

بحار الأنوار ، ج ۴۶ ، ص ۲۹۱ .

۴۲-ما عُبِدَاللهُ بِشَیءٍ أفضَلَ مِن عِفَّةِ بَطنٍ و فَرجٍ

خداوند با چیزی برتر از پاکی شکم و دامن عبادت نشده است.

الکافی ، ج ۲ ، ص ۷۹

۴۳-ایّاكَ و الكَسَلَ و الضَّجَرَ فَإنَّهُما مِفتاحُ كُلِّ شَرٍّ

از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز که این دو کلید هر بدی اند.

تحف العقول ، ص ۲۹۵ .

۴۴-قُولُوا لِلنّاسِ أحسَنَ ماتُحِبّونَ أن يُقالَ لَكُم

با مردم نیکوتر از آنچه دوست دارید با شما سخن بگویند ، سخن بگویید.

بحار الأنوار ، ج ۶۸ ، ص ۱۵۲

۴۵-إنَّ عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ علیه السلام قاسَمَ اللهَ مالَهُ مَرَّتَينِ

امام علی بن حسین علیه السلام دارایی خود را دوبار در راه خدا تقسیم کرد.

مناقب آل أبی طالب ، ج ۳ ، ص ۲۹۴

۴۶-إنَّ لِلقائِمِ غَيبَتَينِ يُقالُ لَهُ في إحداهُما هَلَكَ ولايُدرى في أيِّ وادٍ سَلَكَ

قائم را دو غیبت است : در یکی از آنها (از بس طولانی است) درباره اش گفته می شود: او مُرد و معلوم نیست به کدام وادی رفته است.

الغیبة ، نعمانی ، ص ۱۷۳

۴۷-يَظهَرُ في ثَلاثِمِأةٍ و ثَلاثَةَ عَشَرَ رَجُلاً . . . رُهبانٌ بِاللَّيلِ اُسدٌ بِالنَّهارِ

[امام زمان] با همراهی سیصد و سیزده مرد ، که راهبان شب و شیران روزند ، ظهور می کند.

الفتن ، ابن حمّاد ، ج ۱ ، ص ۳۴۵ .

۴۸-كَأنّي بِأصحابِ القائِمِ و قَد أحاطُوا بِما بَينَ الخافِقَينِ فَلَيسَ مِن شَیءٍ إلاّ و هُوَ مُطيعٌ لَهُم

گویا یاران قائم را می بینم که بر شرق و غرب عالم مسلّط شده اند و هیچ چیزی نیست مگر آن که از آنها فرمان می برد.

کمال الدّین ، ص ۶۷۳ .

۴۹-کانَ الحَسَنُ کَثیرَ الاِجتِهادِ فِي العِبادَةِ و التَّصَدُّقِ

امام حسن علیه السلام در عبادت و صدقه دادن سخت کوش بود.

نظم دررالسمطین ، ص ۱۹۶ .

۵۰-اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُداعِبَ فِی الْجَماعَةِ بِلا رَفَثٍ

خداوند کسی را که در میان جمع شوخی می کند، به شرط آن که ناسزا نگوید دوست دارد.

کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح۴

۵۱-اِنَّ اللهَ یُحِبُّ اِبْرادَ الْکَبَدِ الحَرّی

خداوند خنك کردن جگر تشنه را دوست دارد.

کافی، ج ۴، ص ۵۸، ح۶

۵۲-اِنَّ اللهَ یُحِبُّ اِطْعامَ الطَّعامِ وَ اِفشاءَ السَّلامِ

خداوند غذا دادن و به همه سلام کردن را دوست دارد.

محاسن، ج ۲، ص ۱۴۳، ح ۱۳۷۱

۵۳-اَلصّیامُ وَ الْحَجُّ تَسْکینُ الْقُلوبِ

روزه و حج آرام بخش دل هاست.

امالی طوسی، ص ۲۹۶، ح ۵۸۲

۵۴-أوَّلُ كُلِّ كِتابٍ نَزَلَ مِنَ السَّماءِ «بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ»، فَإِذا قَرَأتَ«بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ» فَلا تُبالی أن لا تَستَعيذَ، و إذا قَرَأتَ «بِسمِ اللهِ الرَّحمنِالرَّحيمِ» سَتَرَتكَ فيما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ

ابتدای هر کتابی که از آسمان نازل شده، بسم الله الرحمن الرحیم است. هر گاه بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ را قرائت کردی اشکالی ندارد که استعاذه نکنی (نگویی که پناهمی برم به خدا) و هر گاه بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ را تلاوت کردی، تو را از آنچه میانآسمان و زمین است محفوظ می دارد.

کافی، ج ۳ ، ص ۳۱۳

۵۵-اِنَّ الاَمْرَ بِالْمَعْروفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنكَرِ سَبيلُ الاَنْبياءِ وَ مِنْهاجُالصُّلَحاءِ ، فَريضَةٌ عَظيمَةٌ بِها تُقامُ .. الْفَرائِضُ ، وَ تَأْمَنُ الْمَذاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكاسِبُ ، وَ تُرَدُّالْمَظالِمُ وَ تَعْمُرُ الاَرْضُ ، وَ يُنْتَصِفُ مِنَ الاَعداءِ وَ يَسْتَقيمُ الاَمْرُ... ؛

امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و واجب بزرگی است که واجبات دیگر با آن بر پا می شوند، راه ها امن می گردد و درآمدها حلال می شود وحقوق پایمال شده، به صاحبانش برمی گردد، زمین آباد می شود و (بدون ظلم) حق ازدشمنان گرفته می شود و کارها سامان می پذیرد.

کافی، ج ۵ ، ص ۵۶، ح ۱

۵۶-وَ اعْلَمْ اَنَّ الاِلْفَ مِنَ اللهِ وَ الْفِرْكَ مِنَ الشَّيْطانِ

بدان که، انس و الفت گرفتن [با دیگران] از خداوند و دشمنی از شیطان است.

کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۱

۵۷-اِعلَمُوا أنَّ الدُّنیا حُلوَها وَ مُرَّها حُلمٌ وَ الاِنْتِباهُ فِی الآخِرَةِ وَ الْفائِزُ مَنفازَ فیها وَ الشَّقیُّ مَن شَقیَ فیها

بدانید که شیرینی و تلخی دنیا، خواب است و بیداری در عالم آخرت است.خوشبخت کسی است که در آخرت خوشبخت باشد و بدبخت کسی است که در آخرتبدبخت باشد.

تفسیر الامام العسکری علیه السلام ، ص ۲۱۹

۵۸-لَمَّا خَلَقَ اَللَّهُ اَلْعَقْلَ اِسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلاَلِي مَا خَلَقْتُ خَلْقاً هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لاَ أَكْمَلْتُكَ إِلاَّ فِيمَنْ أُحِبُّ أَمَا إِنِّي إِيَّاكَ آمُرُ وَ إِيَّاكَ أَنْهَى وَ إِيَّاكَ أُعَاقِبُ وَ إِيَّاكَ أُثِيبُ

امام باقر عليه السلام فرمايد: چون خدا عقل را آفريد از او بازپرسي كرده باو گفت پيش آي پيش آمد، گفت بازگرد، بازگشت، فرمود بعزت و جلالم سوگند مخلوقي كه از تو به پيشم محبوبتر باشد نيافريدم و ترا تنها بكساني كه دوستشان دارم بطور كامل دادم. همانا امر و نهي كيفر و پاداشم متوجه تو است.

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۱۰

۵۹-اِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ اَقْفالاً وَ جَعَلَ مَفاتيحَ تِلْكَ الاَقْفالِ الشَّرابَوَالكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرابِ

به راستی كه خداوند عزوجل برای شر قفل هایی گذارد و كلید آن قفل ها را شراب قرارداد و دروغ از شراب بدتر است.

كافی، ج ۲، ص ۳۳۸، ح ۳

۶۰-اَلْحِلْمُ لِباسُ الْعالِمِ فَلا تَعْرَيَنَّ مِنْهُ؛

بردباری لباس عالم است، پس تو خود را از آن عريان مدار.

كافی، ج ۸، ص ۵۵

۶۱-لَوْ يَعْلَمُ النّاسُ ما فِى السِّواكِ لاَباتوهُ مَعَهُمْ فى لِحافٍ؛

اگر مردم خاصيت مسواك را می دانستند (هرگز آن را از خود جدا نمی كردند و حتی)آن را شب به بستر خود می بردند.

بحارالأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۰، ح ۱۷

۶۲-اَلسِّواكُ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزيدُ فِى الْعَقْلِ؛

مسواك بلغم و رطوبات معده را از بين می برد و عقل را زياد می كند.

ثواب الاعمال، ص ۱۸

۶۳-اِنَّ اللهَ تَعالى لَيُنادى كُلَّ لَيْلَةِ جُمُعَةٍ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ اَوَّلِ اللَّيلِ اِلىآخِرِهِ : اَلا عَبْدٌ مُؤمِنٌ يَدْعونى لِاخِرَتِهِ وَ دُنْياهُ قَبْلَ طُلوعِ الْفَجْرِ لِاُجيبَهُ ؟ اَلا عَبْدٌ مُؤمِنٌيَتوبُ اِلَىَّ مِنْ ذُنوبِهِ قَبْلَ طُلوعِ الفَجرِ فَاَتوبَ عَلَيْهِ ؟ اَلا عَبدٌ مُؤمِنٌ قَد قَتَّرتُ عَلَيهِ رِزقَهُ فَيَساَلَنى الزّيادَةَ فى رِزقِهِ قَبلَ طُلوعِ الفَجرِ فَاَزيدَهُ وَ اُوَسِّعَ عَلَيهِ ؟ اَلا عَبدٌ مُؤمِنٌ سَقيمٌيَساَ لُنى اَن اَشفيَهُ قَبلَ طُلوعِ الفَجرِ فأُعافيَهُ ؟ اَلا عَبدٌ مُؤمِنٌ مَحبوسٌ مَغمومٌ يَساَ لُناَن اُطلِقَهُ

مِن حَبسِهِ وَ اُخَلِّیَ سَربَهُ ؟ اَلا عَبْدٌ مُؤمِنٌ مَظلومٌ یَساَ لُنی اَن آخُذَ لَهُ بِظُلامَتِهِقَبلَ طُلوعِ الفَجرِ فَاَ نْتَصِرَ لَهُ وَ آخُذَ لَهُ بِظُلامَتِهِ ؟ قالَ علیه السلام : فَلا یَزالُ یُنادی بِهذا حَتّیَطلُعَ الفَجرُ

خداوند متعال ، هر شبِ جمعه ، از آغاز شب تا پایان آن ، از فراز عرش خویش ندامی دهد : «آیا بنده مؤمنی نیست که تا پیش از سپیده دَم ، مرا برای آخرت و دنیایش بخواند و من ، پاسخش دهم؟ آیا بنده مؤمنی نیست که تا پیش از سپیده دَم از گناهانش به درگاه من ، توبه کند و من هم به سوی او بازگردم [و توبه اش را بپذیرم] آیا بنده مؤمنی نیست که من روزی اش را بر او تنگ کرده باشم و او تا پیش از سپیده دَم ، افزایش درروزی اش را از من بخواهد و من بر روزی او بیفزایم و به آن گشایش دهم؟ آیا بنده مؤمن ِزندانی و غم زده ای نیست که از من بخواهد از زندان آزاد و رهایش کنم؟ آیا بنده مؤمنِستم دیده ای نیست که تا پیش از سپیده دَم از من بخواهد که دادش را بستانم و منانتقام او را بگیرم و داد وی بستانم؟» و تا سپیده دَم ، به این ندا ادامه می دهد.

تهذیب الأحکام ، ج ۳، ص ۵ ، ح ۱۱

۶۴-لَیْسَ مِنْ نَفْسٍ اِلاّ وَ قَدْ فَرَضَ اللهُ لَها رِزْقَها حَلالاً یَأتیها فی عافیَةٍ وَعُرِضَ لَها بِالْحَرامِ مِنْ وَجْهٍ آخَرَ فَاِنْ هیَ تَناوَلَتْ مِنَ الْحَرامِ شَیئا قاصَّها بِهِ مِنَالْحَلالِ الَّذی فَرَضَ اللهُ لَها وَ عِنْدَ اللهِ سِواهُما فَضْلٌ كَبیرٌ؛

خداوند برای هر کسی روزیِ حلالی مقرّر داشته که به سلامت به او خواهد رسید. ازطرف دیگر روزی حرام نیز در دسترس او قرار داده است که اگر انسان روزی خود را از آنحرام به دست آورد، خداوند در عوض، روزی حلالی را که برای او مقدّر کرده است، از اوباز خواهد داشت و غیر از این دو روزی (حلال و حرام)، روزی های فراوان دیگری نیز نزدخداوند هست.

بحارالأنوار، ج ۵، ص ۱۴۷، ح ۶

۶۵-عَلَیْكَ بِالدعاءِ لأخوانِكَ بِظَهْرِ الْغَیْبِ فَاِنَّهُ یَهیلُ الرِّزقَ

پشت سر برادران (دینی) خود دعا کن، که این کار روزی را به طرف توسرازیر می کند.

بحارالأنوار، ج ۷۶، ص ۶۰، ح ۱۴

۶۶-لافَضیلَةَ كَالجِهادِ ، ولاجِهادَ كَمُجاهَدَةِ الهَوی

فضیلتی چون جهاد نباشد و هیچ جهادی چون پیکار با هوای نفْس نیست.

تحف العقول

۶۷-إیّاكَ وَالتَّفریطَ عِندَ إمكانِ الفُرصَةِ ، فَإنَّهُ مَیدانٌ یَجري لِأهلِهِ الخُسرانَ

به هنگام فرصت ، از کوتاهی کردن بپرهیز ؛ زیرا این میدانی است که برای رهسپارانش زیان به بار می آورد.

تحف العقول

۶۸-مَن لَم يَجعَلِ اللهُ لَهُ مِن نَفسِهِ واعِظاً فَإِنَّ مَواعِظَ النّاسِ لَن تُغنِيَ عَنهُ شيئاً؛

هر که خداوند او را پندآموز خویش نساخته ، هرگز پندهای مردم ، او را سودی نمی دهد.

تحف العقول

۶۹-مَن حَسُنَ بِرُّه بِأهلِهِ زِيدَ في عُمرِهِ

هرکه با خانواده خود خوش رفتار است ، عمرش بسیار خواهد بود.

تحف العقول

۷۰-شَجَرَةٌ أصلُها رَسولُ اللهِ صلي الله عليه و آله ، وفَرعُها أميرُ المُؤمِنينَ عَلِيٌّ عليه السلام ، وأغصانُها فاطِمَةُ بِنتُ مُحَمَّدٍ عليها السلام ، وثَمَرَتُهَا الحَسَنُ والحُسَينُ عليهماالسلام ، فَإِنَّها شَجَرَةُ النُّبُوَّةِ ، ونَبتُ الرَّحمَةِ ، ومِفتاحُ الحِكمَةِ ، ومَعدِنُ العِلمِ ، ومَوضِعُ الرِّسالَةِ ، ومُختَلَفُ المَلائِكَةِ ، وموضِعُ سِرِّ اللهِ ووَديعَتِهِ ، والأَمانَةُ الَّتي عُرِضَت عَلَى السَّماواتِ والأَرضِ ، وحَرَمُ اللهِ الأَكبَرُ ، وبَيتُ اللهِ العَتيقُ وحَرَمُهُ

درختی که ریشه آن، رسول خدا و شاخه آن، امیرالمؤمنین علی علیه السلام و نوشاخه های آن فاطمه، دخت محمّد صلي الله عليه و آله و میوه های آن حسن و حسین است، درخت نبوّت است که روییده رحمت و کلید حکمت و کان معرفت و جایگاه رسالت و مکان آمد و شد فرشتگان و موضع سرّ و سپرده الهی و امانتی است که بر آسمانها و زمین عرضه شده و پردگیان بزرگ خدا و بیت و حرم قدیم اوست.

اليقين : ۳۱۸ ، تفسير فرات الكوفيّ : ۳۹۵ / ۵۲۷ وفيه «بيت» بدل «نبت» و «ذمّته» بدل «حرمه» وكلاهما عن زياد بن المنذر

سایت اینترنتی گلزارنور

http://golzarenoor.ir